

پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال پانزدهم شماره بیست و هشتم بهار و تابستان ۹۶ (صص ۷۶-۴۹)

تحلیل و بررسی تصویر کبوتر در شعر خاقانی

۲- یوسف اصغری بایقوت

۱-حجت اله امیدعلی

چکیده

مضمون‌پردازی و تصویرآفرینی دو هسته همراه و همیشگی شعر خاقانی‌اند که هنرنمایی خلاق، پویا و شگفت‌انگیز شاعر را به نمایش می‌گذارند. تصویر کبوتر در شعر او یکی از تصاویر تکرارشونده و کانونی است که با توده‌ای از خوشه‌های تصویری فرعی و جزئی در پیوند است. مهارت خاقانی در تصویرآفرینی با کبوتر، تنها در سطح بازی واژگانی محدود نمی‌شود بلکه در پشت این بازی‌های زیبا، نهایت تناسب، دانش وسیع شاعر، باورها و عقاید گوناگون مردم درباره کبوتر نیز نهفته است. این مقاله با هدف بررسی تصویر کبوتر در شعر خاقانی به این سوالات پاسخ می‌دهد: چه مضامین و تناسباتی در ارتباط با کبوتر در شعر خاقانی دیده می‌شود؟ چه تصویرهایی از کبوتر در شعر خاقانی دیده می‌شود؟ این مضامین و تصاویر چه اهداف و کارکردی دارند؟ روش تحقیق تحلیل محتوایی است که پس از استخراج تمام ابیات مرتبط با کبوتر، پژوهش در دو محور مضامین مرتبط با کبوتر و تصویرآفرینی با کبوتر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. ارتباط کبوتر با دیگر پرندگان، ویژگی و عادات کبوتر، باورهای مردمی درباره کبوتر از بحث‌های اصلی مربوط به محور مضمون‌پردازی با کبوتر می‌باشد؛ تشبیه، استعاره، تمثیل و حسن تعلیل شگردهای تصویرآفرینی خاقانی با کبوتر است.

کلید واژه ها: خاقانی، کبوتر، مضمون‌پردازی، تصویرآفرینی

Email: h-omidali@araku.ac.ir

۱-استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک (نویسنده مسئول)

Email: yousosa1539@yahoo.com

۲-استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جیرفت

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۶

۶- مقدمه

مهم ترین شگرد هنری و عنصر مرکزی شعر خاقانی تصویرپردازی است. او از ذهن وقاد، تفکر پویا و پشتوانه عظیم فرهنگی خود برای ساختن تصاویر غریب و نوآیین بهره می‌گیرد. خاقانی «اصالتاً شاعری تصویرگرا و لفظ‌آراست و هنجارهای اندیشگی و ذهنی در سخن او به نسبت تصویرآفرینی نقش کم‌تری دارد.» (مهدوی‌فر، ۱۳۹۱: ۱۷۶) شعر او جاذبه و دافعه شگفتی دارد. افراد زیادی در اولین برخورد، از شعرش دلزده و مأیوس می‌شوند؛ اما افراد زیادی مسحور جاذبه‌های شگفت‌انگیز و لایه‌های درهم تنیده شعر او می‌شوند و چنان مجذوب مغناطیس شعر او می‌شوند که گریز و دل‌کندن از آن دشوار است. قرن ششم دوره حاکمیت قصیده فنی است که هر شاعری تلاش دارد تمام هنر و فن خود را در ساختن اشعار محکم به کار گیرد. خاقانی از سرآمدان شاعران این عصر است و تصویرآفرینی همراه با مضمون‌پردازی بدیع، عنصر کانونی شعر اوست که دیگر عناصر را زیر فرمان خود دارد و به همه آنها هویت و ارزش می‌بخشد. خاقانی در زمینه مضمون‌آفرینی، ذهنی تناسب‌آفرین دارد و هر پدیده‌ای به مناسبت پدیده دیگر در ذهن او شکل می‌گیرد و ظاهر می‌شود؛ به همین خاطر مناسبت‌های باریک و مستتر در صحنه‌های شعری او به اندازه‌ای زیاد است که خواننده به تدریج و با تأمل بسیار، آن‌ها را درمی‌یابد. یکی از بهترین بهره‌هایی که مخاطب شعر خاقانی در آن به اوج می‌رسد لذت کشف است. مخاطب هر بار که شعر خاقانی را می‌خواند به کشفی جدید در حوزه زبان و خیال دست می‌یابد که در گذشته از درک آن عاجز بوده است. «خواندن شعر وی به صعود قله‌ای می‌ماند که در هر ایستگاه پس از رنج و سختی‌های زیاد، مناظری بدیع و باشکوه نمایان می‌گردد و انسان را به بالا رفتن و بهره‌مندی بیشتر تشویق می‌کند و در نتیجه خستگی‌ها را به شوق مبدل می‌سازد.» (کریمی، ۱۳۸۹: ۶)

کبوتر یکی از کهن‌ترین تصویرهایی است که در شاعران قبل از خاقانی وجود دارد و بیشترین مضمون شناخته‌شده آن نام‌رسانی کبوتر است و دیگر خوشه‌های تصویری (cluster image) آن معمولاً مغفول مانده یا پراکنده در شاعران مختلف اشاره شده است. تصویر کبوتر در دیوان خاقانی یکی از تصاویر تکرار شونده و کانونی است که با توده‌ای از تصاویر فرعی و جزئی در پیوند است. قلمرو خوشه‌های تصویری مرتبط با آن گسترده است. خاقانی در ارتباط با کبوتر فقط از اطلاعات دم دستی و پیش‌پافتاده برای تصاویر کبوتر استفاده نکرده است بلکه او جنبه‌های مختلف اساطیری، آیینی، فولکوریک و عادات خود کبوتر را نیز در امر تصویرسازی دخیل داده است. برای تحلیل

زیبایی‌شناسانه تصویر کبوتر در دیوان خاقانی لازم است همه باورها و مفاهیم مرتبط با کبوتر و همچنین تمامی اجزا و عناصر تصویر کانونی و خوشه‌های تصویری مورد بررسی قرار گیرد.

این حجم وسیع اطلاعات خاقانی درباره کبوتر حاکی از آن است که در این زمینه اطلاعات کافی و تجربه وافی دارد. چون تجربه است که عواطف شاعر را تحریک می‌کند و زمینه پیدایش شعر را مهیا می‌کند. در واقع شعر را می‌توان ثبت تجربیات شاعر دانست. «آثار ادبی فاخر و شکوهمند، حاصل تجربیات زندگی هنرمند است. تجربه هنری در واقع رویدادی است ذهنی یا حسی که برای هنرمند به وقوع می‌پیوندد و احساس او را برای آفرینش اثر تحریک و برانگیخته می‌سازد و شاعر عاطفه خود را به همراه بیان تجربه خود در شعر ثبت می‌کند.» (دهرامی، ۱۳۹۲: ۷۵)

حوزه تجربه هر شاعر می‌تواند بسیار گسترده باشد که بسیاری از آن‌ها قابلیت درج در شعر را ندارند اما نکته مهم تسلط شاعرانه بر آن تجربیات است. خاقانی در زمینه مضمون‌پردازی و تصویرسازی با کبوتر تسلط و اطلاعات کافی دارد به همین خاطر در هر بیتی لایه‌ای جدید از این تجربه را به نمایش می‌گذارد. نگاهی به ابیات او در زمینه کبوتر حاکی از آن است که شاعر عواطف و اندیشه‌های خود را در لابه‌لای توصیف کبوتر گنجانده است و این وصف‌ها ابزاری برای بیان اندیشه شاعر شده است. خاقانی در این ابیات تنها قصد توصیف حالت کبوتر را ندارد بلکه وصف کبوتر وسیله‌ای برای بیان شاعرانه افکار خود و ملموس‌سازی آنها است و این نکته‌ای است که شعر او را تامل‌برانگیزتر می‌کند. البته نکته قابل توجه این است که همه اطلاعات خاقانی درباره کبوتر ممکن است در عالم واقع برای او حادث نشده باشد؛ بلکه به کمک مطالعه و افکار و عقاید مردم این امر را درونی کرده و با قدرت تخیل خود دست به تصویرآفرینی زده باشد. قطعاً ساخت چنین تصاویری به یک کارگاه خیال‌قدرتمندی نیاز دارد. قدرت خیال خاقانی در مجسم کردن تجربیات و وصف حالات و حوادث، بسیار ظریف و هنرمندانه و هوشمندانه است؛ به گونه‌ای که مخاطب می‌پندارد خاقانی همه این موارد را تجربه کرده است. گفتنی است که داشتن تجربه باعث انسجام شعر و تصاویر آن می‌شود که این نکته در خاقانی فوق‌العاده است؛ اساساً خاقانی شاعری ساختارگرا و منسجم است او هرگز اهل پراکنده‌گویی نیست؛ بلکه در اشعار خود نهایت تناسب را رعایت کرده است.

۱-۶- بیان مساله و سوالات تحقیق

خاقانی شاعری تصویر ساز است کشف اصالت‌های تصویری در اشعار او معیار خوبی برای کشف هنر و خلاقیت اوست. تصویر کبوتر در دیوان خاقانی نمودی از هنرنمایی های شاعر است که از پشتوانه عظیم فکری و فرهنگی خود، برای ساختن تصاویر رنگانگ و نوآیین بهره برده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سوالات است: تصویر کبوتر در شعر خاقانی چه جایگاهی دارد؟ چه مضامینی در ارتباط با کبوتر در شعر خاقانی وجود دارد؟ تصویرآفرینی با کبوتر در شعر خاقانی به چه شکلی است؟ خاقانی در این زمینه چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

۲-۶- اهداف و ضرورت تحقیق

نوع نگاه و نگرش هر شاعر به اطراف و محیط پیرامون خود قابل تامل است که در این زمینه شاعران بزرگ و صاحب سبک، دیدی مختص به خود دارند. دست یافتن به نحوه نگاه شاعران و درک افق‌های دید آنها مستلزم بررسی اشعار آنهاست. خاقانی به عنوان شاعری دوران ساز و صاحب سبک، شگردها و ظرافت‌هایی در تصویرآفرینی و مضمون پردازی شعر خود دارد. تصویر کبوتر در اشعار او بسامد بالایی دارد که هدف این مقاله بررسی ابعاد مختلف تصویر کبوتر در شعر این شاعر شهیر قرن ششم است.

۳-۶- روش تفصیلی تحقیق

این تحقیق به روش تحلیل محتوا انجام گرفته است. بدین صورت که در مطالعاتی که در اشعار خاقانی داشتیم متوجه شدیم خاقانی توجه زیادی به کبوتر دارد و آن را دست مایه تصویرپردازی و مضمون آفرینی خود کرده است. به همین خاطر همه ابیات دیوان خاقانی که در آن کبوتر به کار رفته است استخراج گردید. بعد از آن ابیات از دید تصویرپردازی و مضمون آفرینی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

۴-۱- پیشینه تحقیق

کارهای پژوهشی بسیار ارزشمندی در زمینه شناخت خاقانی و هنر شاعری او انجام گرفته است که هر کدام گوشه‌ای از عظمت و وسعت این شاعر دوران‌ساز را تحلیل و بررسی کرده‌اند. در زمینه بررسی تصاویر شعری خاقانی: فرهنگ‌نامه صور خیال در دیوان خاقانی (مهدوی فر، ۱۳۹۵)، اصالت

تصویر مهم‌ترین معیار در تصحیح دیوان خاقانی (همان: ۱۳۹۱)، استعاره‌های نو و چندلایه در شعر خاقانی (دهرامی، ۱۳۸۹)، خاقانی معمار زبان و خیال (کرمی، ۱۳۸۹) و ... قابل ذکرند.

۷- بحث اصلی

کبوتر پرنده‌ای است بسیار اجتماعی که به خاطر زیبایی، خوش‌پروازی، سبک‌بالی و شکوهش، همواره بر ارزش‌های مثبت نمادگرایی آن تاکید شده است. کهن‌ترین روایات درباره کبوتر به زمان حضرت نوح (ع) مربوط می‌شود. «وقتی کشتی نوح بر کوه جودی نشست، نوح کبوتر را فرستاد... این نخستین استفاده انسان از کبوتر بود. در هنر مسیحی از کبوتر به عنوان نماد روح القدس و پیک صلح و صفا و نماد عشق و عصمت استفاده شده است.» (یاحقی، ۱۳۹۱: ۶۶۳) در بسیاری از فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ ایران کبوتر را قاصد و نامه‌بر می‌دانند. کبوتر در نظر مردم ایران‌زمین پروازی به وسعت و طول ادب و فرهنگ این مرز و بوم دارد و شاعران ایرانی مضامین و اندیشه‌های زیادی در این مورد خلق کرده‌اند. خاقانی از آن شاعرانی است که مضامین و تعبیرات زیادی برای کبوتر کار برده است.

۱-۲- مضمون‌پردازی با کبوتر

خاقانی در مضمون‌پردازی، ذهنی بسیار تناسب‌آفرین دارد و هر پدیده‌ای به مناسبت پدیده دیگر، در ذهن او شکل می‌گیرد و ظاهر می‌شود؛ به همین دلیل مناسبت‌های باریک و مستتر در صحنه‌های شعر او به اندازه‌ای زیاد است که خواننده به تدریج و با تأمل بسیار، آن‌ها را درمی‌یابد. کبوتر در اشعار خاقانی تناسبات معنایی و مضمونی زیادی دارد که در سه محور اصلی (۱- ارتباط کبوتر با دیگر پرندگان ۲- شکل و شمائل و عادات و رفتار کبوتر ۳- عقاید و باورهای عامیانه درباره کبوتر) بررسی می‌شود:

۱-۱-۲- ارتباط کبوتر با دیگر پرندگان

یکی از دست‌مایه‌های مضمون‌پردازی در ارتباط با کبوتر در شعر خاقانی، رابطه این پرنده با دیگر پرندگان است. خاقانی جزئیات و نحوه این رابطه را مناسب مضمون‌آفرینی دیده است و به طور دقیق و هدفمند برای بیان اهداف والاتر خود استفاده کرده است.

۱-۱-۱-۲- کبوتر و باز

یکی از پرندگانی که ارتباط زیادی با کبوتر دارد باز است. باز از راسته پرندگان شکاری و در

توانایی سرآمد است و از این رو نیز به دلیل شکوه و تقدس خود، به شاه مرغان شهرت یافته است. (یاحقی، ۱۳۹۱: ۵۰۹) پادشاهان هنگام صید، برای شکار پرندگان از باز استفاده می‌کردند و از این رو تربیت باز، فنی عمده و از لوازم سلطنت محسوب می‌آمده است. معروف است که جهت تربیت باز، با سوزن چشم او را می‌دوختند؛ یعنی پوست نازک پلک باز را به هم نزدیک می‌کردند و دو گوشه چشم را با ملایمت و احتیاط دو سه بخیه می‌زدند. پس از چندی که باز یار، باز را رام و آموخته دید بخیه‌ها را باز می‌کرد. (شمیسا، ۱۳۸۷: ذیل باز) معمولاً قبل از شکار کلاهی بر سر باز می‌گذاشتند و آنگاه که وقت صید شد کلاه را از سر او برمی‌داشتند تا مستقیماً به طرف شکار رود. یکی از شکارها و طعمه‌های باز، کبوتر است و از این جهت بین باز و کبوتر پیوندی در میان است. خاقانی بارها به تقابل باز و کبوتر اشاره کرده است:

شیر به چنگال عنف، گردن آهو
باز به منقار قهر، بال کبوتر

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۵۷۰)

شاعر در بیت زیر هم بین کبوتر و باز تناسب برقرار کرده است:

مپرس از دلم کز چه‌ای چون کبوتر
بگو زلف را کز چه چون چنگ بازی

نکته دیگر در ارتباط با باز این است که هرچند معمولاً باز کبوتر را شکار می‌کند ولی باز را هم به وسیله کبوتر به دام می‌اندازند و شکار می‌شود. جاحظ در الحیوان اشاره می‌کند که باز را به وسیله کبوتر صید می‌کنند. (الجاحظ، ۱۳۸۵: ۱۸۷) خاقانی در یک‌جا به این امر اشاره می‌کند:

باز اگر چند کبوتر گیرد
باز را هم به کبوتر گیرند

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۸۷۷)

۲-۱-۱-۲- کبوتر و سیمرغ

یکی دیگر از پرندگانی که با کبوتر ارتباط دارد سیمرغ است. سیمرغ در شاهنامه، اوستا و روایات پهلوی موجودی خارق‌العاده و شگفت‌انگیز است که بر کوه البرز آشیان دارد و زال را با بیچگان خویش پرورش داد و از زمان قدرت گرفتن زال و رستم تا روزگار ناپدید شدن آنان، عامل بهروزی و کامروایی آن دو بود. ضمن داستان شگفت‌انگیزی علت غیبت سیمرغ را این می‌دانند که در زمان حضرت سلیمان (ع) چون نتوانست قضای پروردگار را بگرداند به وی ایمان آورد و بعد از آن به کوه قاف رفت و دیگر کسی وی را ندید. (یاحقی، ۱۳۹۱: ۵۰۵) این پرنده شگرف و افسانه بدون

شک از مهم‌ترین مایه‌های اساطیری است که در فضای فرهنگ ایران و پهنه ادب فارسی تجلی بارز یافته است. پهنه شعر فارسی سرشار است از خیال‌های نازکی که پیرامون سیمرغ در ذهن شاعران جوشیده است. در منطق الطیر، از سیمرغ ذات باری تعالی اراده شده است و اینکه سرانجام سی مرغ به سیمرغ می‌رسند که نشان از وحدت در کثرت و کثرت در وحدت دارد. مولانا نیز سیمرغ را نماینده عالم بالا و مرغ خدا و مظهر عالی‌ترین پروازهای روح و نماد انسان کامل می‌داند که به دلیل ناپیدابودن آن، مثال «تجرّد» و «آئینه کمال» نیز می‌تواند باشد. شفیع کدکنی با آگاهی وسیع خود از ادبیات و فرهنگ ایران و اطلاع از افسانه‌ها و عقایدی که در مورد سیمرغ وجود دارد، در شعرش، به جنبه‌های متفاوت سیمرغ اشاره کرده است. خاقانی بارها نام سیمرغ را در دیوان خود آورده است و معمولاً به همان روایات شاهنامه به خصوص پروردن زال اشاره کرده است. (سجادی، ۱۳۸۹: ۸۸۱) در مواردی هم عنقا و سیمرغ را یکی دانسته است:

بی یاری زال و پر عنقا بر خصم ظفر نیافت رستم
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۲۷۸)

خاقانی در چند بیت کبوتر و سیمرغ را در کنار هم آورده است. در بیت زیر شاعر از سیمرغ، دست نیافتی بودن آن را اراده کرده است:

باری کبوترا تو زمن نامه ای ببر نزدیک یار و پاسخش آور به سوی من
درد دلم ببین که دلم وصل جوی اوست آه ای کبوترا از دل سیمرغ جوی من
(همان: ۶۵۱)

کرده به اعتقادی در برج هاش منزل افلاک چون ستاره سیمرغ چون کبوتر
(همان: ۱۸۸)

یکی از مواردی که خاقانی در ارتباط سیمرغ و کبوتر اشاره می‌کند این است که سیمرغ با همه رفعت و بزرگی مقامی که دارد، به نامه‌رسانی کبوتر رشک می‌ورزد و دوست دارد که نامه ببرد:

سیمرغ به نامه بردن فتح می رشک برد کبوتران را (همان: ۳۴)

و در بیت زیر هم اشاره می‌کند که سیمرغ برای نامه‌رسانی بهتر است:

شهباز ملکی و ز پی نامه بردنت سیمرغ در محل کبوتر نکوتر است
(همان: ۷۶)

عنقا هم که با سیمرغ یکی پنداشته شده، آماده نامه رسانی است:
 از بهر آنکه نامه درگاه او برد
 عنقا کمر بیست برای کبوتری (همان: ۹۸)

یکی دیگر از پندگانی که در شعر خاقانی با کبوتر ارتباط دارد هما است. این پرنده همانند سیمرغ، مرغی افسانه‌ای است که فرخنده‌فال و پیک سعادت پنداشته می‌شده و به همین دلیل به مرغ سعادت معروف است. قدما معتقدند که مرغی است استخوان خوار که جانوری نیازارد و هرگاه بر کسی بنشیند او را پادشاه کند (یاحقی، ۱۳۹۱: ۸۸). خاقانی هما را برتر از کبوتر دانسته است:
 آن کعبیه را کبوتر پرنده در
 کاخر ز بام کعبیه نیارد گذار کرد
 این کعبه را به جای کبوتر همای
 کاندر حرم مجاورت این دیار کرد
 (خاقانی، ۱۳۸۸: ۱۵۲)

در بیت زیر هم به این موضوع اشاره کرده است:
 بودی درون عید نفس‌های روزه‌دار
 مشکین کبوتری ز فلک نامه‌آورش
 منقار بر قنینه و پر بر قلدح بماند
 کامد همای عید و نهان شد کبوترش
 (همان: ۲۲۲)

۱-۳- کبوتر و زاغ

خاقانی در یک‌جا زاغ و کبوتر را در کنار هم آورده است. از زاغ، سیاهی آن را اراده کرده است و از کبوتر، پریدن او را:

پران شود ز زیر کله زاغ زلف تو
 تا بر پرد ز بر دل من چون کبوتری
 (همان: ۶۸۲)

زاغ (کلاغ، غراب)، پرنده ای سیاه و مردار خوار است که هزار سال عمر می‌کند. سابقه داستانی این پرنده به روایت هابیل و قابیل برمی‌گردد. یکی از کهنترین روایات که زاغ و کبوتر را کنار هم می‌بینیم به زمان حضرت نوح مربوط می‌شود. وقتی کشتی نوح بر کوه جودی نشست و زمین مقداری آب را به خود فرو کشید، نوح زاغ را فرستاد تا ببیند چقدر آب در زمین مانده است. زاغ به مردارخواری مشغول گشت و برنگشت. نوح کبوتر را فرستاد. کبوتر بیامد و بر زمین نشست. کبوتر پیش نوح آمد و گفت مقداری در زمین مانده است. نوح کبوتر را دعا کرد (یاحقی، ۱۳۹۱: ۶۶۲). از دیگر پرنده‌های همسان و نزدیک به زاغ، کرکس است. این پرنده تیزبین و دورپرواز است

که به طول عمر شهرت دارد و در فارسی لاشخوار یا مرغ مرده‌خوار و در عربی نسر خوانده می‌شود. در قضیه پرواز به آسمان‌ها با گردونه یا تخت کرکس نقش عمده‌ای داشته است (همان: ۶۶۶). تیز بینی، دورپروازی، مردارخواری و درازی عمر این پرنده در ادبیات فارسی مورد توجه شاعران قرار گرفته است. در فرهنگ اصطلاحات نجومی کرکسان فلک نام دو ستاره نسر طائر (کرکس پرنده) و نسر واقع (کرکس نشسته) است که در مجموع نسرین هم خوانده می‌شوند. خاقانی در بیت زیر که نسر را در کنار کبوتر آورده است به بلندپروازی آن نظر دارد:

کعبه آسمان حرم صدر شهنشه است و بس خاص کبوترش توئی از همه نسر طائری

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۴۲۲)

بیت زیر هم بلندمرتبه بودن پایگاه نسر را در مقابل کبوتر اشاره می‌کند:

گفت کاین شهباز در نسرین گردون ننگرد بر کبوتر باز بیند اینت پنداری خطا

(همان: ۲۲)

۱-۱-۴- کبوتر و عنکبوت

عنکبوت از حشرات محسوب می‌شود. در دو بیت با کبوتر ارتباط دارد. رابطه کبوتر با عنکبوت از آن جهت است که در ماجرای پناهنده شدن حضرت رسول به غار، عنکبوت بر در غار تار تنید و کبوتر در آنجا تخم نهاد که دشمنان از رفتن به درون غار منصرف شدند. در ابیات زیر به این تناسب اشاره شده است:

به عنکبوت و کبوتر که پیش ترس شدند همای بیضه دین را ز بیضه خوار غراب

(همان: ۵۱)

چون کبوتر نامه آورد از ظفیر، نعم عنکبوت آسا خبر داد از حضر نعم الفتا

(همان: ۲۱)

۲-۱-۲- شکل و شمائل و عادات و رفتار کبوتر

کبوتر عادات و ویژگی‌هایی دارد که در شعر خاقانی مورد مضمون‌پردازی قرار گرفته است:

۱-۲-۲- ترسو بودن کبوتر

یکی از بارزترین صفات کبوتر بددلی و ترسو بودن آن است. ترسو و بد دل بودن کبوتر از آن

جهت گفته اند که سخت از شاهین و باز می‌ترسد (طوسی، ۱۳۸۷: ۵۲۱)

لیک من در طوق خدمت چون کبوتر بد پیش شهبازی چنان، زنهار کی باشد مرا
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۲۲)

در بیت زیر هم به ترسو بودن کبوتر در برابر باز اشاره کرده است:
مپرس از دلم کز چه ای چون کبوتر بگو زلف را کز چه چون چنگ بازی
(همان: ۶۸۷)

۲-۱-۲- آب و غذا خوردن کبوتر

خاقانی به جرعه جرعه آب خوردن کبوتر هم توجه دارد و در مضمون آفرینی شعر خود از آن بهره برده است:

دیده‌ام سرچشمه خضر و کبوتروار آب خورده و پس جرعه‌ریزی در دهان آورده‌ام
(همان: ۲۵۶)

در ارتباط کبوتر با چشمه خضر آورده‌اند که خضر در ظلمات پیکری سفیدگونه به نظر آورد و به آن سوی رفت. کبوتر سپید دید که از چشمه آب می‌خورد (اشرف‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۲). همچنین گفته‌اند: «مقرر است که کبوتر آب در دهان نگاه می‌دارد و به بچه خود می‌خوراند.» (معموری، بی‌تا: ۱۴۲). خاقانی در ابیات دیگر به عادت "غذا دادن کبوتر به بچه خود غذا اشاره می‌کند:

نالان چو کبوتری که از حلق خـون در لب بچگان فرو ریخت
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۴۶۰)

و این عادت کبوتر به عنوان یک ضعف برای او تلقی می‌کند و از این جهت کبوتر مشبه‌بھی می‌شود برای افرادی که خاقانی آنها را سرزنش می‌کند:

شرمت ناید که چـون کبوتر روزی خـوری از دهان مادر (همان: ۸۸۷)
همچنین در بیت زیر هم به این امر اشاره می‌کند:

در هنر فرزند بازی نه کبوتر بچه‌ای صید دست خویش خور، طعمه دهان کس
(همان: ۷۷۶)

غذای کبوتر ارزن و گاورس است که این هم دست مایه مضمون آفرینی در شعر خاقانی شده

است:

هست روی هوا کبوتر فام ز آتش ارزن فشان کنید امروز
(همان: ۴۸۳)

کانون اصلی مضمون آفرینی هم در بیت زیر تناسب بین گاورس و کبوتر است:
از مسام گاو زرین شد روان گاورس چون صراحی را سر و حلق کبوتر ساختند
(همان: ۱۱۱)

علاقه کبوتر به گاورس و ارزن باعث می شود که او به دام بیفتد:
من نامه بر کبوتر راهم ز همرهان باز او فتم چو دیده به ارزن در آورم
(همان: ۲۴۲)

در بیت زیر هم تناسب بین ارزن و کبوتر دیده می شود:
کبوتر خانه روحانیان را نقطه های سر کلک من ارزن (همان):

۲-۱-۲- پرواز کردن کبوتر

خوش پرواز و سبک‌بالی کبوتر یکی از دلایل زیبایی و جذابیت او می باشد. معلق و چرخ زدن، صفت بارز پرواز کبوتران است که از دید افرادی که با کبوتر سروکار دارند پنهان نیست. این ویژگی کبوتر از دید خاقانی هم پنهان نبوده و دست‌مایه هنرپردازی‌های او شده است:

تیرتر از کبوتری برج به برج می پرد بیضه زر همی نه در به در از سبک‌پری
(همان: ۴۲۹)

دوش معلق زنان کبوتر دولت آمد و اقبال نامه زیر پر آورد. (همان: ۱۴۸)
این نوع پرواز کردن کبوتر گویی از سر شوق و شور و وجد و حال است:
در وجد و حال بین چو کبوتر زنند چرخ بازاران کز آشیان طریقت پریده‌اند
(همان: ۸۷۰)

کبوتر با همه سبک‌بالی و تیز پروازی، اگر بال‌های او خیس باشد نمی‌تواند زیاد پرواز کند و زود خسته می‌شود:

بس نبالد گیابنی که کژ است بس نپرد کبوتری که تر است
(همان: ۶۳)

۲-۱-۲- رنگ کبوتر

کبوتر از پرندگانی است که زیبایی خاص خود را دارد و در رنگ‌های مختلف دیده می‌شود. رنگ سفید آن مقبولیت عام دارد که در نمادگرایی هم از آن استفاده شده است. «کبوتر سفید مظهر پاکی ست.» (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۸۷) رنگ کبود آن هم موجود است که «بهترین نوع کبوتر را کبوتر کبود دانسته‌اند.» (طوسی، ۱۳۸۷: ۵۲۲) دیگر رنگ‌های آن از قبیل قهوه‌ای، طلائی، خاکستری و ... نیز یافت می‌شود. خاقانی رنگ کبوتر را نیز وسیله‌ای برای هنرورزی‌ها و نازک‌خیالی‌های خود قرار داده است:

آسمان کو ز کبودی به کبوتر ماند
بر در کعبه معلق زن و دروا بینند
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۹۸)

ماه نسو در سایه ابر کبوتر فام راست
چون سحای نامه یا چون عین عنوان
(همان: ۹۲)

در بیت زیر به رنگ طلائی و زرین کبوتر اشاره کرده است:

روز نسو چون کبوتر زرین
بر زمین پر اخضر افشانده است
(همان: ۸۲)

در بیت زیر هم رنگ کبوتر ابزار مضمون پردازی شاعر شده است:

زین دو رنگین کبوتر شب و روز
به عدو نامه عذاب رساد (همان: ۴۸۹)

برخی از کبوتران طوقی زیبا بر گردن دارند و آنها را مطوقه می‌گویند. در ارتباط با طوفان نوح جهت اطلاع اهل کشتی از وضعیت زمین نقل است: «نوح کبوتر را فرستاد و کبوتر شاخه‌ای از درخت زیتون به همراه خود آورد. به پاداش این کار، طوق به او عطا شد.» (یاحقی، ۱۳۹۱: ۶۶۳) شاید داشتن این طوق باعث شده است که صفت وفاداری و خدمتگزاری را هم به کبوتر نسبت بدهند:

من چو کبوتران به وفا طوق دار او
او کعبه من و حرم از من دریغ داشت
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۵۵۷)

۲-۱-۳- عقاید و باورهای عامیانه درباره کبوتر

کبوتر به خاطر اجتماعی بودنش، همیشه مورد توجه مردم بوده و طبیعتاً عقاید و باورهایی در

درباره آن میان مردم شکل گرفته و رواج یافته است که هر کدام می‌تواند حاکی نکته‌ای باشد. این بُعد کبوتر نیز در شعر خاقانی مورد توجه قرار گرفته است:

۱-۳-۱- کبوتر و حرم

چون گرداگرد کعبه، حرم پیامبر (ص) و ائمه (ع) کشتن و آزار رساندن حیوانات ممنوع است. بسیاری از کبوتران به این اماکن متبرکه پناه می‌آورند و از نذورات زائرین هم بهره‌مند می‌شوند. ارتباط کبوتر با حرم در شعر خاقانی بسیار اشاره شده است.

چون کبوتر به مکه یابد امن از عراقش سوی حجاز فرست
(همان: ۸۲۳)

کسانی که در حرم محرم بودند به کبوتران سنگ نمی‌پرانند:

آن‌که در کعبه اعتکاف گرفت سنگ چون بر کبوتر اندازد (همان: ۱۲۵)
و برای او احترام قائل بودند:

اگرچه باز سپید است جان خاقانی کبوتر حرم است احترام او زیبد
(همان: ۸۵۴)

کبوتر در مکه ایمن است و به او تعرض نمی‌کنند:

نه کبوتر که امان یافت ز تیغ به ادب خاصه بیت الحرم است
(همان: ۸۲۱)

و توفیق نصیبشان می‌شد:

هر کبوتر کز حریم کعبه جان آمده زیر پرش نامه توفیق پنهان دیده‌اند
(همان: ۸۹)

۱-۳-۲- کبوتر و نامه رسانی

شاید تحت تاثیر وظیفه‌ای که حضرت نوح (ع) به کبوتر داد در بسیاری از فرهنگ‌ها از کبوتر به عنوان پیک و قاصد یاد شده است. در بسیاری از دوره‌های تاریخی ایران از کبوتر به عنوان قاصد استفاده می‌کردند و این مضمون در ادبیات فارسی بسیار به چشم می‌خورد. یکی از مضامین مرتبط با کبوتر در دیوان خاقانی، نامه رسانی این پرنده است:

آمد کبوتر تو و نامه رساند و گفت پیش از کبوتر آمدن از در آیمت
(همان: ۵۷۳)

چنان که دوشم بی‌زحمت کبوتر و پیک رسید نامه صدر الزمان به دست صبا
(همان: ۲۹)

بر پای کبوتر نشانه‌ای می‌بستند که اگر گرفتار آمد بدانند قیمتی است:
م-ن کبوتر قیمتم بر پای دارم سرب‌ها آن قدر زری که سوی آشیان آورده‌ام
(همان: ۲۵۶)

بر پای کبوتران نامه‌بر حلقه‌ای از زر می‌بندند که اگر در جایی به دام افتاد بدانند که از نوع
اعلاست و آن را ضایع نسازند. (معموری، بی تا: ۱۴۲) وقتی این زر را به پای کبوتر می‌بستند آن را
رها می‌کردند:

بر بسته زر چهره به پای کبوترت سینه‌کنان چو باز گشاده پر آیمت
(همان: ۵۷۳)

در حقیقت این حلقه زر حکم خط امان نامه کبوتر را داشت:
چون کبوتر رفته بالا و آمده بر پای خویش بسته زر تحفه و خط امان آورده‌ام
(همان: ۲۵۶)

۲-۳-۱-۲- کشتن کبوتر ثواب دارد

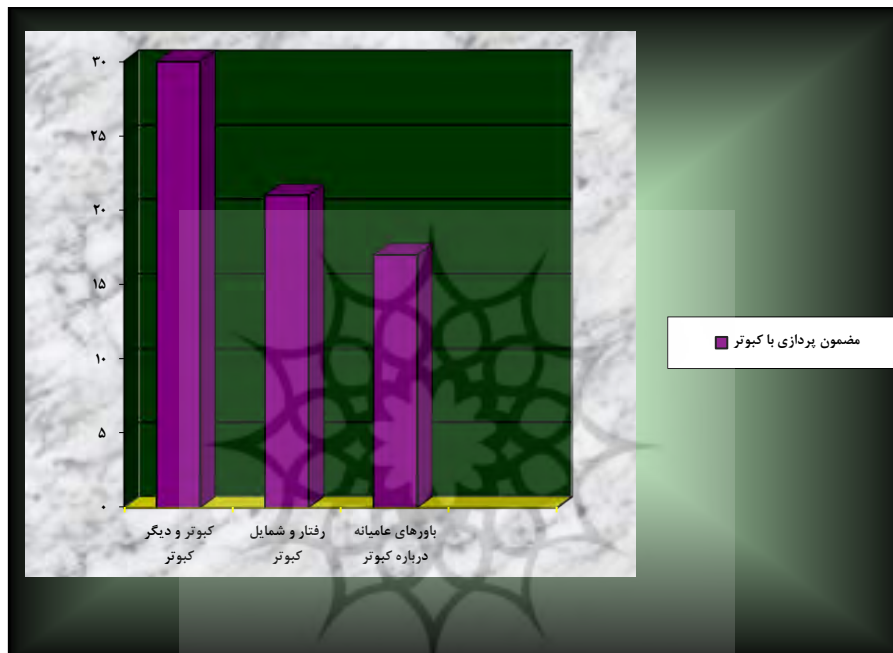
علیرغم اینکه کبوتر حرم در امنیت است ولی نقل هم شده است که کشتن کبوتر ثواب
دارد. سجادی ذیل کبوتری کردن نقل می‌کند: عثمان کشتن سگ‌ها و ذبح کبوتر را توصیه کرده
است. همچنین نقل شده است پیامبر مردی را دید که کبوتری را دنبال می‌کند پس گفت الشیطان
یتبع الشیطان. (سجادی، ۱۳۸۹: ۱۲۲۸)

هر که کبوتری کشد هم به ثواب در رسد خیز و ببر گلوی دن، کو کندت کبوتری
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۴۲۸)

در جای دیگر هم خاقانی به کشتن کبوتر اشاره می‌کند:
دارم دلکی کبوترآسا پیش تو کنم به عید قربان (همان: ۳۵۰)

نکته دیگر که در ارتباط با کبوتر قابل ذکر است این است که از پر کبوتر برای بالش استفاده می شده است:

بهر آگین چار بالش اوست هر پری کاین کبوتر افشانده است (همان: ۸۲)



نمودار شماره ۱- نمودار فراوانی انواع مضمون پردازی با کبوتر در دیوان خاقانی

۲-۲- تصویر آفرینی با کبوتر

خاقانی به عنوان یکی از چیره دست ترین شاعران تصویر پرداز ادب پارسی، اساس زبان شعری خود را بر آفرینش تشبیهات و تصاویر غریب و بدیع، ترکیبات استعاری و سایر صور خیال بنا نهاده است. او هیچگاه دنبال تصاویر پیش ساخته و کلیشه ای دیگران نمی گردد و اگر تصاویری از دیگران مد نظر داشته باشد بی گمان با خلاقیت خود، نوآوری و بازیگری هایی در آن می کند و گونه متفاوتی از تصویر را به نمایش می گذارد و همین موضوع باعث حرکت و پویایی در تصویر آفرینی شعر او می شود. تصویر مجازی (figurative image) کبوتر در دیوان خاقانی لایه های مختلف دارد. ظاهری ترین لایه آن، تشبیه است:

۱- ۲-۲- تشبیه

تشبیه یکی از پایه‌های اساسی علم بیان است که به عنوان هسته اصلی و مرکزی صورت‌های خیال شاعرانه است. در ابیات مرتبط با کبوتر در شعر خاقانی، تشبیه به نسبت دیگر صورت‌های خیال بسامد بالاتری دارد. شاعر با اطلاعات خاصی که درباره کبوتر دارد، تشبیهات متعدد و بدیعی نی‌سازد که در قالب تشبیه مفرد، مرکب و بلیغ قابل بررسی است. بیشتر تشبیهات او درباره کبوتر از نوع مفرد یا مقیدند که خاقانی با کشف وجه‌شبه‌های متفاوت در این زمینه هنرنمایی‌های خود را به نمایش می‌گذارد. در ابیات زیر کبوتر مشبه‌به برای آسمان قرار گرفته است که هر بار شاعر وجه‌شبه متفاوتی ذکر می‌کند:

آسمان کو ز کبودی به کبوتر ماند به در کعبه معلق زن و دروا بینند (همان: ۸۲)

در این بیت شاعر آسمان را به کبوتر تشبیه کرده و در این تشبیه چند وجه شبه را ذکر کرده است. یکی رنگ کبود است که آن را بین آسمان و کبوتر مشترک دانسته است و شاعر آشکارا به این وجه شبه اشاره کرده است. او بارها در اشعارش آسمان را کبود پنداشته است؛ به عنوان مثال در بیت زیر شاعر آشکارا صفت کبود را به آسمان نسبت داده است:

این ز گردون مبین که گردون نیز با لباس کبود غم‌خور اوست (همان: ۵۳۸)

دیگر وجه‌شبه در بیت مورد بحث، معلق زن و دروا بودن است که از رفتارهای کبوتر است. شاعر با ذکر چنین ادعایی که آسمان مانند کبوتر است صفات دیگری از کبوتر را برای آسمان تصور کرده است. معلق زدن و دروا بودن آسمان یک تخیل شاعرانه است که مخاطب را نیز اقناع می‌کند. خاقانی در ابیات دیگری هم آسمان را به کبوتر تشبیه کرده است:

آسمان در حرم کعبه کبوتروار است که به امنش ز در کعبه مسما بینند (همان: ۹۸)

در شعر زیر با ردیف "آسمان"، شاعر می‌گوید آسمان مانند کبوتر بر درگاه ملک است:

ز آن ملک را چون کبوتر بر درش زیر پر خط امان بست آسمان (همان: ۵۱۶)

تشبیه کردن آسمان به کبوتر از موتیف‌های تکراری شعر خاقانی است؛ البته نگاه باریک‌بین شاعر در هر بار تصویرآفرینی، وجه‌شبه جدید و بدیعی می‌آفریند. یکی دیگر از مشبه‌هایی که کبوتر مشبه‌به آن قرار گرفته است خود شاعر است:

دیده ام سرچشمه خضر و کبوتروار خورده و پس جرعه‌ریزی در دهان آورده‌ام

چون کبوتر رفته بالا و آمده بر پای بسته زر تحفه و خط امان آورده‌ام
من کبوتر قیمتم بر پای دارم سرب‌ها آن قدر زری که سوی آشیان آورده‌ام
(همان: ۲۵۶)

خاقانی با آوردن وجه شبه‌های گوناگون در این زمینه قدرت تصویرآفرینی خود را نشان می‌دهد:

من چون کبوتران به و فا طوق دار او او کعبه من و حرم از من دریغ داشت
(همان: ۵۵۷)

من نامه بر کبوتر راهم ز هم‌رهان باز او فتم چو دیده به ارزن درآورم
(همان: ۲۴۲)

آشکار است که در هر کدام از تشبیهات بالا خاقانی نکته خاصی را از کبوتر مدنظر داشته و دست مایه تشبیهات خود ساخته است. بسته به اینکه چه وجه‌شبهی مدنظر دارد، کبوتر را مشبه‌به برای مشبه‌های مختلف آورده است و ویژگی‌های متفاوتی از کبوتر را وجه‌شبه قرار داده است. این موضوع نشان می‌دهد که تنها بازی واژگانی، ترکیبات نو و تشبیهات تازه و غریب نیست که موجب قبول خاطر اشعار او شده‌است؛ بلکه در پشت این حجاب‌های رنگین و شیشه‌های مه‌آلود، دریایی از دانش‌ها، باورها و عقاید نهفته است و این مسائل در کنار هم موجب شده است که شعر او هم از نظر معنایی و هم از نظر لفظی غنی باشد. دانسته‌های گوناگون خاقانی در جای جای دیوان اشعارش انعکاس یافته است. از همین‌روی است که می‌گویند: «عشق و اشتیاق خاقانی به درج تمامی دانسته‌هایش در شعر، دیوان او را به صورت دایره‌المعارفی از علوم مختلف درآورده است... و برای شرح کامل دیوان او لازم است عده‌ای منجم و طبیب و موسیقی‌دان و ریاضی‌دان و عالم دین و... گرد هم جمع شوند.» (معدن‌کن، ۱۳۷۲: ۱۴)

یکی دیگر از مشبه‌های کبوتر در شعر خاقانی دل شاعر است. در بیت زیر شاعر دل خود را به کبوتر تشبیه کرده است:

دارم دلکی کبوترآسا پیش تو کنم به عید قربان (خاقانی، ۱۳۸۸: ۳۵۰)

این بیت اشاره به کشتن و قربانی کردن کبوتر دارد که آن وجه‌شبهی برای دل و کبوتر است و از این نظر وجه‌شبه، در ارتباط با مشبه، به‌گونه‌ای تفسیر می‌شود و در ارتباط با مشبه‌به به گونه‌ای

دیگر. بنابراین آرایه استخدام هم در بیت موجود است؛ چون قربانی کردن دل با قربانی کردن کبوتر تفاوت دارد. در ابیاتی دیگر نیز خاقانی دل خود را به کبوتر تشبیه کرده است:

پران شود ز زیر کله زاغ رلف تو تا بر پرد ز بر دل من چون کبوتری (همان: ۶۸۲)
مپرس از دلم کز چه ای چون کبوتر بگو زلف را کز چه چون چنگ بازی (همان: ۶۸۷)

یکی دیگر از نکات قابل توجه در تشبیهات خاقانی در ارتباط با مضمون کبوتر وجود تشبیه مرکب است. منظور از تشبیه مرکب، تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به وجود آمدن آن نقش داشته باشد؛ بنابراین علاوه بر اینکه طرفین تشبیه مرکب هستند، وجه شبه نیز مرکب است. در مضامین مرتبط با کبوتر، خاقانی دوبار از تشبیه مرکب استفاده کرده است:

چون عاشق بوسه زن، لب خم در حلق قنینه جان فروریخت
هم جان که ز خم ستد قنینه در باطیه جان کنان فروریخت
نالان چو کبوتری که از حلق خون در لب بچگان فروریخت (همان: ۵۰۷)

در ابیات بالا شاعر ریخته شدن شراب از خم به قنینه و سپس ریخته شدن آن از قنینه به باطیه را به ریختن خون و غذا در دهان بچگان کبوتر توسط مادرشان تشبیه شده است که این عمل در هر دو تصویر، همراه با سروصدا و ناله است. قنینه و باطیه هر دو ظرف شراب هستند. دیگر تشبیه مرکب در ارتباط با کبوتر بیت زیر است:

ناز پرورد بکر طبع مرا گم مکن با حجاب ناز فرست
چون کبوتر به مکه یابد امن از عرقش سوی حجاز فرست (همان: ۸۲۳)

یکی دیگر از انواع تشبیه در ارتباط با کبوتر، تشبیه بلیغ (اضافه تشبیهی) است. در بیت زیر دولت به کبوتر تشبیه شده است:

دوش معلق زنان کبوتر دولت آمد و اقبال زیر پر آورد (همان: ۱۴۸)

در بیتی نیز صبا به کبوتر تشبیه شده است وجه شبه نیز نامه‌رسانی است:

صبا کبوتر این نامه شد بدان درگاه که صورت کرم امروز آفریده اوست (همان: ۸۴۰)

در بیت زیر هم شب و روز به دو کبوتر رنگین جهت نامه‌رسانی تشبیه شده‌اند:

زین دو رنگین کبوتر شب و روز به عدو نامه عذاب رساد (همان: ۴۸۹)

۲-۲-۲- استعاره

هدف از کاربرد استعاره خلق فضایی خاص در ذهن مخاطب است؛ فضایی که از جنبه‌های شناختی و هیجانی بسیار قوی برخوردار باشد و بتواند با نزدیک کردن ذهن شنونده به ذهن گوینده، اشتراک نظر پدید آورد. در واقع التذاذ از استعاره به خاطر کشف شباهت‌های جدیدی است که بین دو شیء تصور شده است. تخیل شاعر با کشف مشابهت بین دو قلمرو یا دو شیء یکی را جایگزین دیگری می‌کند و ذهن را به جستجو وامی‌دارد و شگفتی می‌آفریند و باعث ایجاد زبان ادبی می‌شود. کارکرد اصلی استعاره توسعه زبان است. هاوکس می‌گوید: «چون زبان واقعیت است، استعاره گسترش واقعیت است... استعاره با کنار آوردن عناصری که کنش و واکنش‌شان بعد جدیدی به هر دو می‌بخشد واقعیت جدیدی خلق می‌کند و در دسترس همگان قرار می‌دهد» (هاوکس، ۱۳۷۷: ۹۵) بر این اساس این عنصر خیال، باعث تکثر معنا و غنای واژگانی یک زبان می‌شود.

خاقانی از نظر آفرینش استعارات بدیع و تازه در شمار خلاق‌ترین شعرای فارسی‌گوی قرار دارد. وی که از همه خلاقیت‌های هنری و دانسته‌های خود در جهت ایجاد شیوه‌های تازه و دیرپاب ساختن شعر استفاده کرده، از استعاره‌های تازه و دیرپاب در این راستا بهره زیادی برده است. نوآوری‌های خاقانی بیش از هر چیز در استعاره‌های او تجلی یافته است. «این نوآوری‌ها را می‌توان در دو حوزه مورد بررسی قرار داد: یکی کشف شباهت‌های تازه بین اشیاء و پدیده‌ها و آفرینش استعاره‌های تازه؛ دوم تغییر در ساختار استعاره و آفرینش استعاره‌های چند لایه‌ای.» (دهرامی، ۱۳۸۹: ۸۴). استعاره قرار گرفتن کبوتر در شعر خاقانی لایه‌های معنایی متفاوتی دارد؛ یعنی این‌گونه نیست که معنای استعاری کبوتر در ابیات مختلف، مشخص و ثابت باشد. شاعر هر بار با مهارت‌های خاص و خلاقیت خود، نوآوری‌ها و مضامین جدیدی را به نمایش می‌گذارد. آشکارترین معنای استعاری کبوتر در اشعار خاقانی، قاصد، پیک و نامه رسان است:

من نامه نوشتم به کبوتر بسپر دم چه سود که بختم سود بامت نر سانید

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۶۱۱)

باری کبوترا تو ز من نامه ای ببر نزد یک یار و پاسخ آور به سوی من

درد دلم ببین که دلم وصل جوی اوست آه ای کبوتر از دل سیمرخ جوی من

(همان: ۶۵۱)

آمد کبوتر تو و نامه رساند و گفت
پیش از کبوتر آمدن از در درآیمت
بر بسته زر چهره به پای کبوترت
سینه کنان چو باز گشاده پر آیمت (همان: ۵۷۳)

البته نباید گفت قطعاً کبوتر استعاره از قاصد و نامه‌رسان نیست؛ این وجه هم پذیرفتنی است که کبوتر در معنای قاموسی خود به کار رفته باشد؛ چون در قدیم‌الایام کبوترها واقعا نامه‌رسانی می‌کردند. مثلاً خاقانی در بیت زیر به این امر اشاره دارد:

چنانکه دوشم بی زحمت کبوتر و پیک
ر سید نامه صدر الزمان به دست صبا (همان: ۲۹)

در بیت دیگری هم باد را از جهت نامه‌رسانی به کبوتر تشبیه کرده است:

کبوتروارم آری نامه یار
که پیک نازنین رفتاری ای باد (همان: ۵۹۲)

یکی دیگر از معانی استعاری کبوتر، آسمان است. در این معنی چون درک استعاره بسیار دشوار است شاعر در ابتدا با مقدمه‌چینی بین کبوتر و آسمان شباهت‌هایی پیدا می‌کند سپس کبوتر به از تشبیه به استعاره تبدیل می‌شود. در بیت زیر شاعر ابتدا آسمان را از نظر کبودی به کبوتر تشبیه می‌کند سپس در بیت بعدی با ذکر مشبّه‌به - که همان کبوتر است - استعاره‌پردازی می‌کند:

آسمان کو ز کبودی به کبوتر ماند
به در کعبه معلق زن و دروا بینند
این کبوتر که زیارد ز بر کعبه پرید
طیرانش نه به بالا که به پهنا بیند (همان: ۹۸)

در بیت دوم "این" قرینه‌ای است که کبوتر در معنای استعاری به کار رفته است. در بیت دیگری نیز شاعر به همین روش ابتدا با آوردن تشبیه، کبوتر را استعاره قرار می‌دهد. در بیت زیر ابتدا "بخت" به "قاصد" تشبیه، سپس در بیت دوم "کبوتر" استعاره از آن می‌شود:

قاصد بخت از زبان صبحدم این دم
صد زبان آمد چو خورشید از پی این
چون کبوتر نامه آورد از سفر نغم‌البرید
عنکبوت آسا خبر داد از حضر نعم
(همان: ۲۱)

نمایش مضمون‌آفرینی، خلاقیت، نوآوری و ایجاد زبان هنری خاص، بیش از هر چیزی، در استعاره‌های نو و بدیع خاقانی جلوه‌گر شده است. خاقانی در دو بیت زیر کبوتر را به ترتیب مشبّه به و استعاره برای نفس‌های روزه‌دار به کار برده است:

بودی درون عید نفس‌های روزه‌دار
مشکین کبوتری ز فلک نامه‌آورش

منقار بر قئینه و پر بر قدح بماند کامد همای عید و نهان شد کبوترش (همان: ۲۲۲)

این نوع نگاه شاعر و تناسبی که برقرار کرده است در نوع خود اعجاب برانگیز است. بیت به این اشاره دارد که با آمدن عید، روزه هم تمام می‌شود و خبری از نفس‌های خوش‌بو و مشکین روزه‌داران نیست. از این جهت عید به هما تشبیه شده است که کبوتر با آمدن او نهان می‌شود. محتوای ابیات اشاره‌ای است به حدیث نبوی که بوی دهان روزه‌دار را نیکوتر از بوی مشک می‌داند: *خلف فم الصائم اطیب عندی من ریح الممسک عند الناس* (نیشابوری، ۱۳۸۶: ۲۱۰). در بیت زیر خاقانی "کبوتر" را استعاره از عاشقان حریم الهی دانسته است:

هر کبوتر کز حریم کعبه جان آمده زیر پرش نامه توفیق پنهان دیده اند
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۸۹)

در این بیت چون درک معنای استعاری کبوتر بسیار دشوار است شاعر در بیت بعد آن را تفسیر کرده است:

عاشقان اول طواف کعبه جان کرده‌اند پس طواف کعبه تن فرض فرمان دیده‌اند (همان: ۹۰)

یکی از هنرورزی‌های خاقانی که توانسته آن را در خدمت استعاره درآورد، ترکیب‌سازی است. بدین صورت که بسیاری از استعارات او از رهگذر ترکیب به وجود آمده است و این نشان دهنده خلاقیت هنری و اطلاعات گوناگون اوست که با ترکیب دو یا چند واژه، معنای تازه‌ای می‌آفریند. در شعر زیر:

روز نو چون کبوتر بر زمین پیر اخضر افشانده بهر آگین چار بالش اوست
هر پری کاین کبوتر افشانده است (همان: ۸۲)

کبوتر استعاره از خورشید است. گفتنی است که خاقانی در جایی دیگر خورشید را مشبه برای کبوتر قرار داده است:

تیزتر از کبوتری برج به برج می‌پرد بی‌ضه زر همی نهد در به در از سبک‌پری
(همان: ۴۲۹)

متنوع‌ترین تصاویر خاقانی مرتبط با خورشید است. وی در «قصاید خود بیست و نه استعاره مکنیه و شصت و هشت استعاره مصرحه مختلف در مورد خورشید دارد.» (دهرامی، ۱۳۸۹: ۸۶) او با استفاده خلاقانه از استعاره، تصاویر فراوانی از پدیده‌های خارجی و مفاهیم ذهنی خود خلق

می‌کند؛ یعنی موضوعی واحد را با تصویرسازی‌های متعدد و متفاوت در قالب استعاره پرورش و ارائه می‌دهد. در شعر زیر نیز کبوتر استعاره از خورشید است:

به شرق و غرب رسد نامه ضمیرم از آنک
کبوتر فلکی پیک رایگان من است

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۷۵۵)

البته تعمد آگاهانه خاقانی در استفاده فراوان از استعاره، منجر به ابتدال و کلیشه‌ای شدن معانی استعاره نمی‌شود؛ بلکه او پیوسته میل به ابداع معانی جدید و بارگذاری آن در استعاره‌های خود دارد و بدین صورت شاهین خیال شاعر به گونه‌ای است که نمی‌تواند تنها به صید یک استعاره بسنده کند. البته باید توجه داشت که وی در پی دیریاب کردن شعر خود نیست؛ بلکه بیشتر به نگارگری و هنرنمایی توجه دارد؛ زیرا وقتی مخاطب معنای استعاره یکی از ابیات را کشف کرد، تکرار دوباره آن استعاره، التذاذ خاصی ندارد؛ اما خلق معانی جدید برای استعاره، خواننده را مجذوب و مسحور می‌کند و از تماشای تصاویر زیبا و رنگارنگ شعر هیجان‌زده و بر توانایی کم‌نظیر شاعر اقرار می‌کند. مثلاً در بیت زیر:

گفت کاین شهباز در نسرین گردون ننگرد
بر کبوتر پر گشاید اینت پنداری خطا

(همان: ۲۲)

کبوتر استعاره از خود شاعر است. قرینه صارفه در این بیت در دو بیت قبل نهفته است:
دعوتم کردی به لشکرگاه خاقان کبیر حبّذا لشکرگه خاقان اکبر حبّذا
لیک من در طوق خدمت چون کبوتر بدلم پیش شهبازی چنان زنهار کی باشد مرا (همانجا)

۳-۲-۲- تمثیل

کاربرد وسیع تمثیل در شعر خاقانی باعث شگفتی و تعجب هر مخاطبی می‌شود. چون عصر وی دوره تمثیل نیست و هر خواننده گاهی می‌داند که این ویژگی بارز سبک هندی است. «از مرور دیوان خاقانی در ذهن این پندار صورت می‌بندد که خاقانی نقطه آغاز سبکی است که در تاریخ ادبی به سبک هندی معروف است.» (دشتی، ۱۳۴۰: ۶۲) این شاعر خلاق در همین ابیات مورد بحث (مرتبط با کبوتر) چهار بار تمثیل پردازی کرده است و مضامین مرتبط با کوتر را در تمثیل‌های گوناگون برای تایید و اثبات نظریات شاعرانه خود به کار برده است.

صید مرد است زن اما به زنان مرد را صید نگون سر گیرند
باز اگر چند کبوتر گیرد باز را هم به کبوتر گیرند (خاقانی، ۱۳۸۸: ۸۷۷)

در ابیات بالا شاعر در ابتدا موضوع صید شدن زن به دست مرد و صید شدن زن به دست مرد را بیان می‌دارد. سپس برای اثبات ادعای خود -که نکند کسی این ادعا را قبول نداشته باشد- بیتی را به صورت تمیل می‌آورد. با آوردن این تمیل شاعرانه که ریشه در عالم واقعیت دارد، مخاطب را قانع می‌کند و باعث التذاذ هنری او نیز می‌شود. قطعاً درصد زیادی از کسب التذاذ هنری از شعر خاقانی به خاطر اقناع ساختن مخاطب به شیوه‌ای ظریف و هوشمندانه است که چنین چیزی از ذهنی وقاد برمی‌آید.

در بیت زیر خاقانی با بیانی شاعرانه و مغلق روزگار را نگهبان بارگاه باشکوه مخدوم خود می‌پندارد و ادعا می‌کند به خاطر اینکه روزگار در بارگاه پادشاه شاغل است طبیعتاً به همکاران خود و خادمان بارگاه ممدوح آسیبی نمی‌رساند. بیان چنین مضمونی در شاعران قصیده‌پرداز بسیار زیاد به چشم می‌خورد و مخاطب، آن را بیانی شاعرانه می‌داند و به رد و قبول این ادعای شاعرانه نمی‌پردازد؛ اما خاقانی به صرف گفتن این اغراق شاعرانه قانع نیست و برای اثبات سخن خود دست به دامن تمیل می‌شود تا با دلیلی ملموس و قابل‌باور مخاطب را مجاب کند:

دهر دربان اوست بر خدمش ناوک ظلم کمتر اندازد
آنکه در کعبه اعتکاف گرفت سنگ چون در کبوتر اندازد (همان: ۱۲۵)

یکی از مهم‌ترین اهداف خاقانی از کاربرد تمیل، تبیین اندیشه‌های انتزاعی و غیرحسی در حوزه تفکرات دینی، اخلاقی، فولکوریک و باورهای شخصی است. او با توسل به تمیل اندیشه‌ها و باورهای خود را برای مخاطب قابل قبول می‌سازد. در واقع کاربرد تمیل علاوه بر تمایز زبانی، القاء کننده سخن بر دل مخاطب با براهین عقلی و ادبی است. «بر این باید افزود روحیهٔ تفاخر شاعر را؛ چرا که با افکندن گرهی شاعرانه و لطیف، کشف و گره‌گشایی آن را بر عهدهٔ مخاطب می‌گذارد تا شنونده پس از کشف رابطهٔ تمیل از قدرت شاعری و سخنوری وی به شگفت آید.» (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۰)

به ادب زی که به شمشیر ادب عرب اقلیم ستان عجم است
حرز جان ساز ادب کاین کلمه بر سر افسر کسری رقم است

نه کبوتر که امان یافت ز تیغ به ادب خاص بیت الحرم است
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۸۲۱)

تمثیل زیر نیز نمونه‌ای از تیزیبینی و مضمون‌آفرینی خاقانی است:

همه روز اعور است چرخ ولایک احولست آن زمان که کینه‌ور است
هر که را روی راست بخت کژ است مار کژ بین که بر رخ سپر است
بس نبالد گیابنی که کژ است بس نپرد کبوتری که تر است (همان: ۶۳)

گفتنی است که تمثیل‌های خاقانی به دلایل متعددی - از جمله: عدم شمول و فراگیری، محدود بودن طیف خوانندگان، دشواری و مهجور بودن تمثیل‌ها، استفاده از اصطلاحات غریب و بیگانه و ... - نتوانسته به شکل مثل سائر درآید.

۴-۲-۲- حسن تعلیل

حسن تعلیل در شعر فارسی جایگاه رفیعی دارد؛ به نحوی که می‌توان این صناعت را از صناعات محبوب شاعران کهن فارسی به شمار آورد. در حسن تعلیل، شاعر با نگاه و اشراق شاعرانه خود بین اموری که پیوندی با هم ندارند رابطه می‌آفریند؛ به عبارت دیگر، شاعر در حیطه این صناعت بر مبنای اسباب عقلی در صدد اثبات ممکن بودن امر ناممکن است. اگر تعلیل در اثری لطیف نباشد یا جنبه علمی داشته باشد، نمی‌توان آن را ادبی دانست. پس «تعلیل در ادبیات اسلوب خاصی دارد و باید جنبه افناعی و استحسانی داشته باشد نه برهانی و علمی و مبتنی بر تشبیه باشد که خود تشبیه مبتنی بر کذب است. تعلیل بر دو نوع است: الف) علتی که ذکر می‌شود واقعی و حقیقی است، اما در ربط آن به معلول، ظرافت و لطافتی است و این به وسیله تشبیه مضمّر و تمثیل صورت می‌گیرد. ب) علتی که برای معلول ذکر می‌شود حقیقت ندارد، بلکه شاعر بر اثر تشبیهی که در ذهن او صورت گرفته است چنین ادعایی می‌کند و این از نوع قبلی هنری‌تر است. گاهی علت ادعایی، امر غیرممکن را ممکن جلوه می‌دهد.» (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۷۰)

خاقانی به وسیله حسن تعلیل در شعر خود نوعی دلیل‌تراشی عقل‌گریز می‌آورد که این امر حاصل کشف و اشراقی شاعرانه و به نوعی آشنایی‌زدایی معنایی از جهان مألوف و معهود است. او در بیت زیر جهت ترغیب مخاطب به باده‌نوشی، روایتی -کشتن کبوتر ثواب دارد- ذکر می‌کند و با

نگاهی ظریف که حاصل نوعی نگرش، اشراق شاعرانه است، التذاذ هنری و لذت بهت‌زدگی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند:

هر که کبوتری کشد هم به ثواب در رسد خیز و ببر گلوی دن کو کندت کبوتری

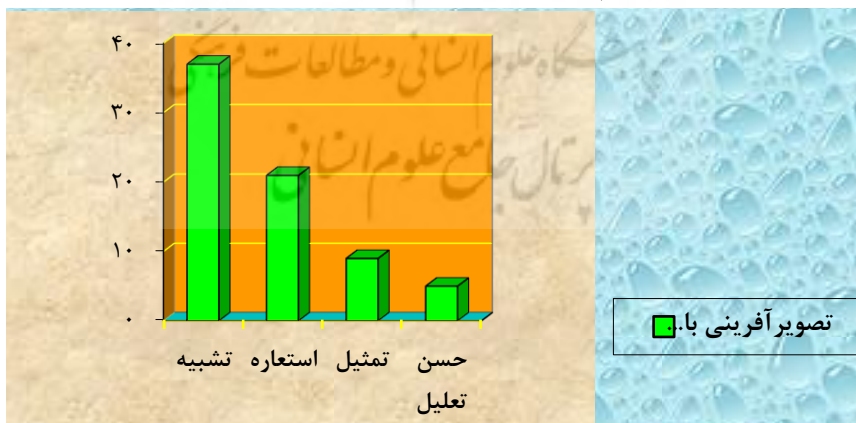
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۴۲۸)

درست است که حسن تعلیل صنعت ادبی مستقلاً به شمار می‌آید، اما همواره با صناعات و آرایه‌های ادبی دیگر همراه است؛ این صناعت معمولاً با ترفندها و صنایع ادبی دیگری، همچون اغراق، تشخیص، تشبیه و تجاهل العارف و مانند اینها همراه است. مثلاً در این بیت بالا تشبیه مضمیر هم وجود دارد شاعر دن شراب را به کبوتر تشبیه کرده است که بین آنها تناسب هم وجود دارد؛ چون یکی از اشکال ساغرهای شراب، کبوتر بوده است:

از مسام گاو زرین شد روان گاورس چون صراحی را سر و حلق کبوتر ساختند

(همان: ۱۱۱)

حسن تعلیل یکی از بهترین ابزارهای ادبی و شیوه‌های هنری خاقانی برای ستایش ممدوح، بیان عقاید خود و نمایش قدرت شاعری اوست؛ بدین صورت که برای هر پدیده‌ای که توجیه عقلانی ندارد، از حسن تعلیل آمیخته با اغراق و مبالغه و غلو استفاده می‌کند که هر ناممکنی را به یاری حسن تعلیل ممکن می‌سازد. بدیهی است که شاعر در این راه گاه دچار گزاره‌گویی، غلو مذموم و به ندرت ترک ادب شرعی هم می‌شود.



نمودار شماره ۲- نمودار فراوانی انواع تصویر آفرینی با کبوتر در دیوان خاقانی

۸- نتیجه

قدرت مضمون‌پردازی و تصویرآفرینی خاقانی غنای خاصی به شعر او بخشیده است؛ به گونه‌ای که هر چیزی را که شاعر دست‌مایه هنرپردازی‌های خود قرار می‌دهد، معانی آن را در نهایت تناسب و انسجام نمایان می‌کند. کبوتر یکی از تصاویر شعری خاقانی است که بسامد قابل توجهی دارد و هفتادوشش بار در دیوان اشعار او ذکر شده است. هربار شاعر مضمونی ظریف و سنجیده و تصویری بدیع و متناسب از کبوتر ارائه می‌دهد. در زمینه مضمون‌پردازی رابطه کبوتر با دیگر پرندگان، شکل و شمایل، عادات و غذاخوردن کبوتر، عقاید و باورهای مردم درباره کبوتر و ... همگی با نگاه باریکبین و ذهن وقاد شاعر، خمیرمایه‌ای مفید برای مضمون‌آفرینی شده‌اند. بدین صورت که هربار شاعر بر نکته‌ای تمرکز می‌کند و آن را مورد مضمون‌پردازی شعر خود قرار می‌دهد. در زمینه تصویرپردازی هم با توجه به اینکه اصالتاً او شاعری تصویرساز است از تمامی پشتوانه عظیم فرهنگی، اعتقادی، باورهای عامیانه در جهت ساختن تصاویر غریب و نوآیین و متناسب استفاده می‌کند. از مهمترین صورت‌های خیال شعری او در تصویرآفرینی مرتبط با کبوتر به ترتیب بسامد تشبیه، استعار، تمثیل و حسن تعلیل قابل ذکرند.

۹-منابع

- ۱- اشرف‌زاده، رضا، *گزیده اشعار خاقانی*، تهران: اساطیر، ۱۳۸۵.
- ۲- الجاحظ، عمرو بن بحر، *الحيوان*، ترجمه و شرح عبدالسلام هارون، مصر: مكتبة الجاحظ، ۱۳۸۵.
- ۳- خاقانی، بدیل بن علی، *دیوان اشعار*، مقابله و تصحیح و مقدمه و تعلیقات ضیاءالدین سجادی، تهران: زوآر، ۱۳۸۸.
- ۴- دشتی، علی، *خاقانی شاعری دیر آشنا*، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۱.
- ۵- دهرامی، مهدی، *استعاره‌های نو و چندلایه در شعر خاقانی*، فنون ادبی، پاییز و زمستان، شماره ۲، صص ۹۶-۸۱، ۱۳۸۹.
- ۶- نقد و بررسی عاطفه در اشعار نیما یوشیج، پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۲۰، صص ۸۲-۶۵، ۱۳۹۲.
- ۷- سجادی، ضیاءالدین، *فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی*، شروانی، دو جلد، تهران: زوار، ۱۳۸۹.
- ۸- شمیسا، سیروس، *فرهنگ تلمیحات*، تهران: میترا، ۱۳۸۷.
- ۹- *نگاهی تازه به بدیع*، تهران: میترا، ۱۳۸۹.
- ۱۰- طوسی، محمدحسن، *عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۸۷.
- ۱۱- کرمی محمدحسین، خاقانی، معمار زبان و خیال، مجله فنون ادبی، بهار و تابستان، شماره ۱، صص ۱-۱۶، ۱۳۸۹.
- ۱۲- کوپر، جی.سی، *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمه ملیحه فرهادیان، تهران: فرهاد، ۱۳۷۹.
- ۱۳- معدن کن، معصومه، *بزم دیرینه عروس* (شرح پانزده قصیده از دیوان خاقانی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- ۱۴- معموری، عبدالوهاب، *شرح اشعار خاقانی* (محبث‌نامه)، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۱۵۶۲، (بی تاریخ)،

- ۱۵- مهدوی فر، سعید، اصالت تصویر مهمترین معیار در تصحیح دیوان خاقانی، مجله بوستان ادب، بهار، شماره ۱، صص ۱۹۶-۱۷۶، ۱۳۹۱.
- ۱۶- مهدوی فر، سعید، فرهنگنامه صورخیال در دیوان خاقانی، سه جلد، تهران: زوار، ۱۳۹۵.
- ۱۷- هاوکس، ترنس، استعاره، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- ۱۸- یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۱.

